



ارتباط فرشتگان با انسان

آیه الله جوادی آملی

بهشت راه نمی دهند، لذا است که هم در این آیه و هم در آیه ۸ و ۷ سوره مؤمن، «من صلح» را از اول قید کرده و فرموده است: صالحین از آباء و ازواج و ذراری به مؤمنین ملحق می شوند.

در جریان حضرت ابراهیم سلام الله علیه می خوانیم که خداوند فرمود: «انی جاعلتک للناس اماماً». من تو را امام برای مردم قرار دادم. عرض کرد: «ومن ذریتی». از ذریه ام چطور؟ خداوند در پاسخ فرمود: نه من همه را یک جا می پذیرم چون ذریه شما نیستند و نه همه را یک جا رد می کنم «قال لاینال عهدی الظالمین». عهد من به ظالم نمی رسد. اصولاً لطف خدا و عنایت الهی شامل تبهکار نخواهد شد، نه در دنیا و نه در آخرت. اینچنین نیست که صرف ذریه بودن و فرزندان پیغمبر بودن یا قرابت با یکی از اولیای الهی داشتن، مشکل را حل بکند. لذا هم قرینه منفصل دلالت می کند که آباء و ازواج و ذریات باید مومن باشند و الهی قرینه متصل پس در اینجا فرموده: «ومن صلح» و در سوره مؤمنون، آیه ۱۰۱ هم فرموده: «فلا أنساب بینهم» و هم به حضرت ابراهیم فرمود: همه ذریه شما مشمول یک اصل نیستند.

ارتباط فرشتگان با انسان

«والملائکه یدخلون علیهم من کل باب». یکی از نعمتهای بهشت آن است که فرشتگان رحمت از هر دری وارد می شوند و به اینها سلام می کنند و می گویند: سر به این نعمت رسیدن همین بود که شما در دنیا صبر و بردباری داشتید. حال باید دید ارتباط فرشته ها با انسان چیست؟

قرآن کریم فرشته را به عنوان یک موجود معصوم و خالی از خطا معرفی می کند که ملائکه هرگز گناه نمی کنند. «لا یعضون الله ما امرهم»^۱ اصلاً گناه و نافرمانی خدا نمی کشند. در جای دیگر می فرماید: «بل عباد مکرمون، لا یسبقونه بالقول وهم بأمره یعملون»^۲

«أولئک لهم عقی الدار، جنات عدن یدخلونها ومن صلح من آبائهم و ازواجهم و ذریاتهم و الملائکه یدخلون علیهم من کل باب سلام علیکم بما صبرتم فنعیم عقی الدار».

(سوره رعد- آیه ۲۴)
برای آنان عاقبت دنیا (یعنی آخرت) خواهد بود. بهشتهای برینی که خودشان و خویان از پدران و همسران و فرزندانشان وارد آنها گردند و فرشتگان از هر دری از درهای بهشت بر آنها وارد شده و به آنها بگویند: درود خداوند بر شما باد که صبر کردید و چه خوب عاقبتی.

ارزش قرابت و خویشاوندی

همانگونه که قبلاً نیز بحث شد، در این آیه خویان از خویان را مطرح می کند زیرا آن عالمی که ظهور حق در آن مطرح است و چیزی جز حق مطرح نیست، قرابت و خویشی در آن عالم نقشی ندارد. برای اینکه قرابت و خویشی تنها برای شناسائی و انجام کارهای دنیا است و لا غیر. در ذیل آیه کریمه که می فرماید: «انا خلقناکم من ذکروانی» و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا»- ما شما را از نر و ماده خلق کردیم و ملتها و قبیله های مختلف قرار دادیم برای اینکه یکدیگر را بشناسید. این کلمه «لتعارفوا» تفاوتهای قرابتی و خویشاوندی را مطرح می کند. مسئله رحامت، قرابت و قبیله و فامیل، مسئله شناسنامه آمار همگانی و همیشگی است که برای شناسائی یکدیگر به کار می رود و هیچ ارزش دیگری ندارد.

چرا هیچ ارزشی ندارد و تنها برای شناسائی است؟ برای اینکه در ذیل همان آیه می فرماید: «ان اکرمکم عند الله اتقاکم»^۱ کرامت در مدار تقوا است و لا غیر. بنابراین، در بهشت به صرف قرابت کسی با مؤمن، آن کس را به

بندگان مکرم و گرامی خدایند که هرگز بدون اذن خدای سبحان، سخنی نمی گویند و جلوتر نمی افتند و به امر او عمل می کنند.

بنابراین، اگر فرشتگان، معصوم اند و مکرم حق اند و همه کارهایشان را به اذن خداوند انجام می دهند، پس ارتباطی که فرشتگان با مؤمنین دارند نیز باذن الله خواهد بود. فرشته در تمام شئون به فکر انسان مؤمن است، در دنیا به یاد او است، در حین مرگ و احتضار و در عالم برزخ به یاد او است و سرانجام در قیامت و در بهشت هم با او است. این ارتباطات گوناگونی است که در قرآن کریم مطرح شده است.

ارتباط فرشتگان با انسان در دنیا

در آیه ۴۲ از سوره احزاب میفرماید: «هو الذي يصلی عليك وملائكته ليخرجكم من الظلمات الى النور وكان بالمؤمنين رحيماً تحيئهم يوم بقونهم سلام وأعد لهم أجراً كريماً». او است که بر شما صلوات می فرستد و فرشتگان او بر شما صلوات می فرستند تا اینکه شما را از ظلمتها به نور هدایت کند و همانا خداوند به مؤمنین، مهربان است. درود فرشتگان در روز ملاقات با خداوند، سلام بر مؤمنین است و خداوند برای مؤمنین پاداشی کریمانه تهیه کرده است.

این صلوات خدا و صلوات فرشتگان بر مؤمنین چیست؟ در ادامه آیه پس از اینکه صلوات الهی و صلوات فرشتگان را مطرح می کند، پاسخ آمده است که این صلوات برای نورانی شدن شما است. پس اگر گفته شود که خدای سبحان بر شما صلوات می فرستد، حال که خطاب به مؤمنین است، هم خطاب آن حکم را تطبیق می کند و هم تعلیل ذیل. «لیخرجکم من الظلمات الی النور». پس صلوات برای آن است که انسان را نورانی کند و اگر در یک لحظه ای انسان تیره شد، بفهمد که در آن لحظه، صلوات خدا و فرشتگان شامل حال او نشده است. اگر در لحظه ای نورانی شد، می داند که مشمول صلوات خدا و ملائکه اش شده است. این خصیصه ای است که در آیه ذکر شده است.

پس ارتباط فرشتگان با انسان برای این است که از راه صلوات فرستادن، او را روشن کنند و صلوات همان رحمتی است که فرشتگان از خدای سبحان برای مؤمنین مسئلت می کنند و شامل حال مؤمنین می شود.

در سوره غافر همین معنی آمده است. که قبلاً نیز توضیح دادیم. می فرماید: «الذین یحملون العرش ومن حوله یسبحون بحمد ربهم ویؤمنون به ویستغفرون للذین آمنوا». حاملان عرش برای مؤمنین طلب مغفرت و

آمزش می کنند و می گویند: بارخدا یا، تو که رحمت و علمت همه چیز را فرا گرفت پس توبه کنندگان و آنان که راهت را دنبال می کنند، آنها را بیمارز و از عذاب دوزخ نگاهشان بدار. پروردگارا! آنها را همراه با خوبان از پدران و همسران و فرزندانشان در بهشتهای برینی که وعده کرده بودی وارد ساز.

پس حاملان عرش برای مؤمنین اصل مغفرت را درخواست می کنند و سپس دخول در بهشت را همراه با خانواده ها و ذراری خوب و صالح. معلوم می شود یک سلسله از فرشتگان، کارشان نورانی کردن انسان ها و استغفار برای مؤمنان است، همچنانکه فرشتگان دیگری مأمور ضبط اعمال هستند و فرشتگانی نیز مأمور عذاب الهی هستند و مسئولیت جهنم را به عهده دارند.

پس اگر برخی از ملائکه فقط اصحاب جهنم هستند و مسئول تعذیب کفار و منافقین در دوزخ می باشند، ملائکه ای هم مظاهر رحمت الهی هستند و برای نورانی کردن مؤمن تلاش می کنند و آنها را از ظلمات به سوی نور هدایت می نمایند.

ارتباط فرشتگان با انسان در عالم برزخ

در دنیا مؤمنین تحت ولایت فرشتگان هستند. «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تنزل علیهم الملائکه الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التي کتمت لکم».

آنان که گفتند پروردگار ما الله است و ما فقط در تحت ربوبیت الله هستیم و روی این قولشان ایستادگی و استقامت کردند، ملائکه بر آنها نازل می شوند و به آنها می گویند: نترسید و غمگین نباشید و به بهشتی که شما را وعده داده اند، بشارتتان باد.

این بشارت در حال احتضار به مؤمن داده می شود. آنگاه به آنها می گویند: «نحن اولیاءکم فی الحیاة الدنیا و فی الآخرة». شما هم در دنیا تحت ولایت ما بودید و هم در آخرت. اگر شما تحت ولایت الله باشید، فرشتگان، اولیا و دوستان شمایند، هم در دنیا و هم در آخرت، لذا فرشتگان نمی گذارند انسان بلغزد، ولی هنگامی که انسان از فرشته هم بالاتر می رود، آنجا دیگر انسان است که ولی ملائکه خواهد بود و آنجا است که فرشتگان علمشان را هم از او می گیرند «با آدم انبئهم بأسمائهم».

پس برای انسان سه مرحله است:

- ۱- یک مرحله ای که انسان تحت ولایت فرشتگان است.
- ۲- و اگر فراتر رفت و همسطح فرشتگان شد، فرشتگان با او دوست و یار می شوند.

۳- و اگر از آن حد هم گذشت و انسان کامل شد، ولی همه فرشتگان می شود و همه آنها برای او خضوع می کنند: «فسجد الملائكة كلهم اجمعون» و این مقام والای انسان کامل است.

بنابراین، در این آیه کریمه از زبان فرشتگان می فرماید: ما اولیای مؤمنین هستیم. و در حال احتضار به مؤمن می گویند هیچ غم و اندوهی از آینده و هیچ ترس و واهمه ای از گذشته نداشته باشید که آینده ای خوب و شیرین در انتظار شما است و تمام آن خوبان شما با شما در بهشت هستند. و این سخنان را فرشته در حال احتضار به مؤمن می گوید.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه بیانی دارد که می فرماید: «تنزل عليهم الملائكة عند الموت الاتخافوا مما تقدمون عليه ولا تحزنوا على ما خلفتم وابتشروا بالجنة التي كنتم توعدون في الدنيا»^۱. ملائکه هنگام مرگ بر آنها نازل می شوند و می گویند نترسید از آینده و غمگین نباشید از گذشته خود و شما را به بهشتی بشارت باد که در دنیا به شما وعده می دادند.

مرحوم قمی در تفسیر ذیل آیه که می فرماید: نحن اولیایکم فی الحیوة الدنیا، گفته است که ولایت فرشتگان در دنیا به این معنی است که مؤمنان را از شیاطین و شر آنها نگهدارند و نمی گذارند و سوسه او در آنها اثر کند.

در ادامه تفسیر صافی آمده است:

فی الکافی عن الصادق علیه السلام قال: استقاموا علی الأئمة واحداً بعد واحد آن مؤمنان بر امامان خود، یکی پس از دیگری استقامت ورزیدند. تا می رسد به این جمله که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «ما یقول مولانا لبغض لأعدائنا الآ و یحضره رسول الله صلی الله علیه وآله و امیر المؤمنین و الحسن و الحسین علیهم السلام فیرونه و یشرونه و ان کان غیر مولای پراهم بحدی سوء و الدلیل علی ذلك قول امیر المؤمنین علیه السلام لحارث الهمدانی: یا حار همدان من یمت برنی من مؤمن او منافق قبلاً».

هیچ ولئی از ما نمی میرد که ولایت ما را داشته و دشمنان ما را دشمن بوده، جز اینکه رسول خدا «ص» و امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام در حال احتضار به نزد او می آیند و او را بشارت می دهند و اگر آن محتضر از اولیای ما نبود، معصومین را می بیند ولی خشمگین می بیند. و دلیل این سخن، قول حضرت امیر علیه السلام به حارث همدانی است که فرمود: هرکس چه مؤمن باشد و چه منافق مرا از رو برو می بیند ولی او به حال نشاط و این به حال اندوه.

و در تفسیر آیه «و یظنون انهم ملاقوا ربهم»، از رسول خدا صلی الله علیه وآله آمده است که فرمود: «لا یزال المؤمن خائفاً من سوء

العاقبة ولا یتیقن الوصول الی رضوان الله، حتی یكون وقت نزح روحه و ظهور ملک الموت له، و ذلك ان ملک الموت یرد علی المؤمن وهو فی شدة علته و عظیم ضیق صدره بما یخلفه من امواله و بما هو علیه من اضطراب احواله من معاملیه و عیاله، وقد بقیت فی نفسه حسراتها و اقتطع دون امانته فلم یتلها فبقول له ملک الموت: مالک تنزع غصصک؟ قال: لا اضطراب احوالی و اقتطاعک لی دون آمالی، فبقول له ملک الموت: وهل یحزن عاقل من فقد درهم زایف و اعتبار الف الف ضعف الدنیا؟ فبقول: لا، فبقول ملک الموت: فانظر فوقک فینظر فیری درجات الجنان و قصورها التي یفصر دونها الأمانی، فبقول ملک الموت: تلك منازلک و نعمتک و اموالک و أهلک و عیالک و من کان من اهلك هاهنا و ذریکت صالحاً فهم هنالك معک، أفترضی بدلاً مما هنا؟ فبقول: بلی والله».

مؤمن همچنان در حال خوف و ترس از بریدی عاقبت و سرانجام هست و یقین به درک رضایت الهی پیدا نمی کند تا اینکه هنگام قبض روحش فرا می رسد و ملک الموت نزد او می آید. پس وقتی در آن حالت سخت احتضار و کشاکش مرگ است و می خواهد دنیا را رها کند و وارد برزخ شود و از پولهائی که باقی می گذارد نگران است و از دگرگونی حالش ناراحت است و در درون وجودش حسرت دیدار بستگان و اهل و عیالش دارد که آرزوهایش قطع شده و دستش کوتاه شده، در آن حالت ملک الموت به او می گوید: چرا این غصه ها و تلخی ها را تحمل می کنی؟ پاسخ می دهد: برای اینکه تو آمدی و مرا از آرزوهایم بریدی. ملک الموت می گوید: آیا هیچ انسان خردمندی برای از دست دادن یک درهم بی ارزش و دریافت کردن هزاران هزار برابر دنیا، دستگ می شود؟ مؤمن می گوید: نه! پس ملک الموت می گوید: بالا نگاه کن. مؤمن نگاه می کند، بهشت و درجات و کاخهای بهشت را که تمام آرزوها در برابرش کوتاه است، می بیند، پس ملک الموت به او می گوید: اینها خانه ها و نعمت ها و اموال و اهل و عیال تو است؛ و هرکس از اهل و عیالت که در دنیا از صالحان بودند، در کنار تو خواهند بود؛ آیا راضی شدی؟ می گوید: آری، به خدا قسم.

ادامه دارد

۱- سوره حجرات- آیه ۱۳.

۲- سوره بقره- آیه ۱۲۴.

۳- سوره تحریم- آیه ۶.

۴- سوره انبیا- آیه ۲۷.

۵- سوره فصلت- آیه ۳۰.

۶- تفسیر صافی- ص ۳۵۹.

۷- تفسیر صافی- ص ۳۵۹ و ۳۶۰.